

# جامعه‌شناسی برنامه‌درسی



حسن نجفی

دکترای مطالعات برنامه‌درسی

آرش زارع زردینی

کارشناس علوم تربیتی

## مقدمه

براساس مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران [۱۳۹۰: ۳۷۱] نیز، طراحی در درجه نخست ناظر بر ویژگی‌های عام طرح یا نقشه حاکم بر برنامه‌درسی است که دیدگاه یا خاستگاه ارزشی برنامه‌درسی را تبیین و در درجه دوم با ابتنا به چنین پایگاهی، برای عناصر برنامه‌درسی تعیین تکلیف می‌کند. ما در این مقاله بر ویژگی‌های عام که تبیین‌کننده جایگاه جامعه در برنامه‌درسی است، تأکید داشته‌ایم.

جامعه‌مرجعی کارساز و بستری مهم برای طراحی برنامه‌درسی است. در اصل جامعه براساس ماهیت، ساختار و ظرفیت‌هایی که دارد، برای انسان آرمانی خود، شاخص‌هایی در نظر می‌گیرد، این شاخص‌ها براساس طراحی برنامه‌درسی ظهور پیدا می‌کنند. سعی طراحی برنامه‌درسی بر این است که با تدابیری عقلانی و منطقی، نحوه و کیفیت کاربست شاخص‌ها را مشخص کند. بر این اساس، در مقاله توصیفی - تحلیلی حاضر می‌کوشیم تعدادی از عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طراحی برنامه‌درسی را معرفی کنیم. به نظر ما عوامل جامعه‌شناختی از ماهیت، ساختار و ظرفیت‌های اجتماعی نشئت می‌گیرند و براساس پیام‌هایی که از خود منعکس می‌سازند، طراح برنامه‌درسی را برای آماده‌سازی نقشه رشد انسان آرمانی جامعه جهت می‌دهند؛ یعنی به کاری و می‌دارند یا از کاری باز می‌دارند.

## اثرگذاری جامعه در طراحی برنامه‌درسی

براساس دیدگاه اجتماعی برنامه‌درسی، جامعه مهم‌ترین بستر و عنصر ساختی برنامه‌درسی است. میلر [۱۳۹۶] اذعان می‌دارد که در دیدگاه اجتماعی، به فرد در زمینه و شرایط خاص اجتماعی نگاه می‌شود و تلاش بر آن است که برنامه‌هایی متناسب با این زمینه و شرایط آماده شوند. طراحان برنامه‌درسی باید با توجه به دوره تحصیلی و موضوع درسی سعی کنند، نیازها، انتظارات و مشکلات جامعه را بشناسند و در برنامه‌درسی منعکس سازند. به علاوه، آنان باید بدانند که آموزش و پرورش مناسب و اجرای مطلوب برنامه‌های آن، همواره مستلزم برقراری نظام‌ها و جریانات اجتماعی در کلاس است. این مهم، برنامه‌ریزان درسی را بر آن می‌دارد که پیش از تهیه برنامه‌درسی، ماهیت جامعه و عناصر تشکیل‌دهنده آن را بشناسند تا برنامه‌ای تهیه کنند که از جامعه برگرفته شده باشد و نیازها، مشکلات و انتظارات جامعه را مورد تأکید قرار دهد [طالبی، مظلومیان و صیف، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۷].

**کلیدواژه‌ها:** طراحی برنامه‌درسی، فرهنگ، نهادهای اجتماعی، تغییرات اجتماعی

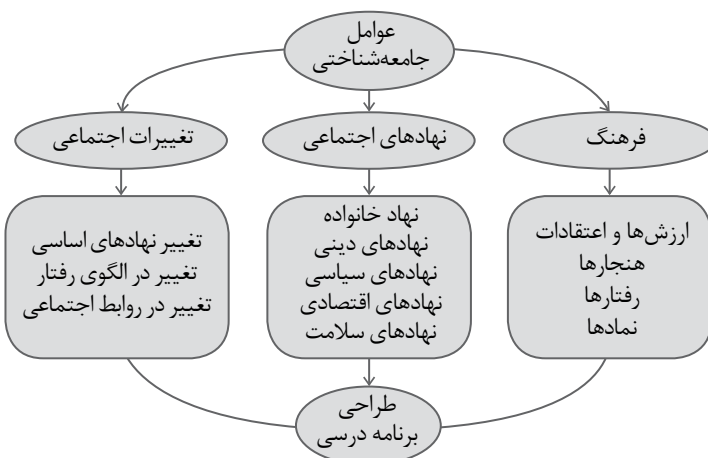
## طراحی برنامه‌درسی

طراحی برنامه‌درسی بر این تمرکز دارد که چه دانش، مهارت و ارزش‌هایی را متریبان باید در مدارس بیاموزند، چه تجارب یادگیری باید در رابطه با نتایج یادگیری در نظر گرفته شده ارائه شوند، و آموزش و یادگیری در مدارس یا سیستم آموزشی چگونه می‌تواند برنامه‌ریزی، اندازه‌گیری و ارزشیابی شود [Aimin & Yan, 2011: 2].

## یافته‌ها

نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهند که عوامل جامعه‌شناختی زیادی در طراحی برنامه‌ی درسی مؤثر هستند که در این مقاله به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

شکل ۱. عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طراحی برنامه‌ی درسی



مجموعه‌ای از پویایی‌های درهم‌تنیده در نظر گرفته شود. به‌طور کلی متخصصان بر این عقیده‌اند که برنامه‌ی درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که پاسخ‌گوی نیازهای فرهنگی باشد. از دیدگاه **دیکا و سینگ**<sup>۲</sup> [۲۰۰۲: ۳۶]، مقوله‌ی فرهنگ باید به‌طور گسترده‌ای در برنامه‌ی درسی مورد استفاده قرار بگیرد. **زایس**<sup>۳</sup> [۱۹۷۶] می‌نویسد: فرهنگ بافتی را مهیا می‌کند که به‌طور چشمگیر ماهیت و سازمان‌دهی اهداف، محتوا، و فعالیت‌های یادگیری و ارزشیابی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از نظر **مهرمحمدی** و همکارانش [۱۳۹۳: ۱۶۳]، برنامه‌ی درسی منطبق با فرهنگ جامعه، باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در تحقق اهداف کلی و نیازها تأثیرگذار باشد. **ژوزف**<sup>۴</sup> و همکارانش (۱۳۹۶: ۸) نیز اعتقاد دارند که فرهنگ به‌طرح برنامه‌ی درسی یاد می‌دهد که نسبت به نظام‌های اعتقادی، ارزش‌ها، رفتارها، زبان، تجلیات هنری، محیط تربیتی، روابط قدرت و هم‌تراز از نظر همه‌ی هنجارها حساس باشد؛ زیرا هنجارها مبنای تغییر و تفسیر او از امور صحیح و ناصحیح هستند.

## نهادهای اجتماعی

**نهاد خانواده:** خانواده مهم‌ترین گروه در جامعه است، به‌طوری که همه‌ی افراد جامعه عضو خانواده هستند و خانواده از جایگاه والایی در تربیت قبل، حین و پس از مدرسه برخوردار است [Essays, 2018].

**کول**<sup>۶</sup> [۲۰۱۹] می‌نویسد: خانواده از این حیث اهمیت دارد که پایه و اساس تربیت مطلوب محسوب می‌شود و از آنجا که کودکان امروز والدین آینده هستند، باید انتظارات و نظرات منطقی‌شان در برنامه‌های درسی مدارس گنجانده شوند. از نظر **ترنر - وربک**<sup>۷</sup> [۲۰۰۶]، امروزه به دلیل ورود رسانه‌های مجازی، تعریف و ساختار خانواده‌ها دچار پیچیدگی‌های خاصی شده است. لذا برنامه‌ی درسی باید نسبت به آن درک به‌روزتری داشته باشد و هرچه زودتر پلی ارتباطی میان خانواده و خود شکل دهد.

**مهرمحمدی** [۱۳۹۱] تأکید می‌کند: خانواده به مثابه یک رکن دارای تأثیرات عمیق و گسترده در تربیت و در نتیجه بازیگری فعال در عرصه‌ی ارتباط با مدرسه است. به نظر ما نیز حضور خانواده در برنامه‌ی درسی باعث آشنایی

## فرهنگ

«فرهنگ» مفهومی عام است که جنبه‌های نهادی و آموخته در جوامع انسانی را توصیف می‌کند. به تعبیر دیگر، فرهنگ شیوه‌ی عمومی زندگی گروه یا گروه‌هایی از مردم است که عناصری از قبیل عادت‌ها، باورها، سنت‌ها، ارزش‌ها و نقاط مشترک، آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و وحدت اجتماعی ویژه‌ای به وجود می‌آورد [سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶: ۵]. استحکام و تداوم هر جامعه‌ای به حفظ و نگهداری فرهنگ و متعلقات آن و برنامه‌ریزی پیشرفت جامعه بر مبنای ریشه‌های فرهنگی آن بستگی دارد. لذا برنامه‌ریزی هرگونه پیشرفتی بدون در نظر گرفتن متن فرهنگی، نهایتاً نتیجه‌ای جز عقیم ماندن برنامه در پی نخواهد داشت. اگر فرهنگ، رفتار اعضای خود را تعیین می‌کند، پس برنامه‌ی درسی هم باید براساس مطالعه‌ای مستقیم از وضع امروز و فردای فرهنگ بنا نهاده شده باشد. قبول چنین پیش‌فرضی به این معنی است که همه‌ی عناصر برنامه‌ی درسی متأثر از فرهنگ باشد [نلر<sup>۲</sup>، ۱۳۸۹] و به‌صورت



نشان می‌دهد، نمی‌توان برنامه‌درسی را بدون زمینه سیاسی تصور کرد. اما به نظر ما، هشدار می‌دهد که باید به آن توجه شود این است که مداخلات بدون علم و آگاهی این‌گونه نهادها می‌تواند موجودیت و کیفیت برنامه‌درسی را تهدید و آن را از اصالت راستین خود دور کند. دیگر اینکه نهادزدگی و سیاست‌زدگی بیش از حد در برنامه‌درسی و عناصر آن، آفت است و پیامدی جز دور ماندن دانش‌آموزان از رشد حقیقی نخواهد داشت.

**نهادهای اقتصادی:** نهادهای اقتصادی ارتباط مستقیمی با تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات دارند. این نهادها به تناسب حوزه کاری خود از برنامه‌درسی انتظاراتی دارند. نزدیک‌ترین انتظار آن‌ها تربیت نیروی کار بااستعداد، ماهر و مجهز به سواد اقتصادی است. البته نوآوری، کارآفرینی و تمایل به ریسک نیز از دیگر انتظارات آن‌هاست که به نوبه خود می‌تواند توسعه اقتصادی را برای کشور به ارمغان آورد.

**طغیانی خوراسگانی و رحمانی [۲۰۱۹]** اقدام به تبیین برنامه‌درسی مبتنی بر دانش اقتصادی در برخی از کشورهای توسعه‌یافته کردند. آن‌ها دریافتند: برنامه‌درسی به ویژه در دوره متوسطه باید مهارت‌های اشتغال‌زایی عصر فناوری را آموزش دهد.

**سایتر<sup>۱۵</sup> [۱۹۸۸]** عقیده دارد: دانش‌آموزان آمریکایی آگاهی اقتصادی ندارند، زیرا درباره مشکلات اقتصادی نظیر کسری بودجه و بحران بازار بورس سهام و انرژی شناختی کسب نمی‌کنند. از نظر او، اگر دانش‌آموزان سواد اقتصادی داشته باشند، می‌توانند درک خوبی از مفاهیم اقتصادی به دست آورند، منطقی‌تر تصمیم بگیرند و در کنترل آینده اقتصادی خود موفق‌تر عمل کنند.

**دیوید** برنامه‌درسی تاریخ و مطالعات اجتماعی را در دوره ابتدایی برای پرداختن به اقتصاد مفید می‌داند. او پیوند مفاهیم اساسی و کلان اقتصاد با موضوع‌های درسی را در برنامه‌درسی دوره متوسطه بااهمیت تلقی می‌کند.

**امام‌جمعه [۱۳۸۹]** ورود تربیت اقتصادی را در جای‌جای برنامه‌درسی و سرفصل‌های آن ضرورت می‌داند و **پیغامی و تورانی [۱۳۹۰]** هم نتیجه گرفته‌اند توجه به بحث‌های اقتصادی در برنامه‌درسی موجب درک سیاست‌های اقتصادی

بیشتر طراحان با ایده‌ها، علاقه‌ها، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و افکار والدین دانش‌آموزان می‌شود. لذا طراحان برنامه‌درسی باید تعامل و ارتباط مستمری با خانواده داشته باشند و اهمیت ویژه‌ای برای نظرات والدین در هدف‌گذاری‌ها و تعیین محتوا قائل شوند. این کار اولاً انسجام و هماهنگی در تربیت دانش‌آموز را به ارمغان می‌آورد، ثانیاً موجب تدارک تجربیات مفید می‌شود، ثالثاً تعهد والدین را در قبال فعالیت‌های تربیتی مدرسه افزایش می‌دهد.

**دین:** نهادهای دینی غالباً نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت انسان به سمت زیست دینی و معنوی دارند. پژوهشگرانی همچون **وارن و هینز<sup>۱۸</sup> [۲۰۱۶]**، **گراهام و کیتسکی<sup>۱۹</sup> [۲۰۱۰]**، **تولاسویچ و بی تو<sup>۲۰</sup> [۱۹۹۳]** و **ملکی [۱۳۸۲]** به تأثیرگذاری نهادهای دینی بر چگونگی طراحی برنامه‌درسی اذعان کرده‌اند. در ایران به‌طور رسمی و قانونی نهادهایی همچون حوزه‌های علمیه تشیع و تسنن، کلیساها و کنش‌ها بر طراحی عناصر برنامه‌درسی، به ویژه در دروس دینی و مذهبی، نظارت دارند و همه مراحل طراحی را براساس مبانی و بایدها و نبایدهای دینی مختص به خود نظارت می‌کنند.

**نهادهای سیاسی:** سیاست‌روندی است که برای تعیین قدرت، ثروت و ساختار اداری در هر جامعه‌ای استفاده می‌شود [Joseph, 2015: 15].

برخلاف اندیشمندان آموزش و پرورش لیبرال که معتقدند: برنامه‌درسی باید دور از هیجان‌های سیاسی باشد، **هیوبنر<sup>۲۱</sup> [۱۹۶۲]** و **ژیرو<sup>۲۲</sup> [۱۹۹۲]** برنامه‌درسی را به‌عنوان یک متن سیاسی تلقی کرده‌اند. **کلی و لانگ<sup>۲۳</sup> [۲۰۱۰]** نوشته‌اند: سیاست‌های جامعه و نهادهای سیاسی بر اینکه چه چیزی در برنامه‌درسی حضور داشته یا نداشته باشد، حکم‌فرمایی می‌کند.

از دیدگاه **اپل<sup>۲۴</sup> [۲۰۰۴]** نیز زمینه سیاسی بر چپستی، چرایی و چگونگی برنامه‌درسی و آموزش تأثیر می‌گذارد و برنامه‌درسی خنثا و بی‌طرف نیست. در جایی دیگر، **اپل [۲۰۰۳]** بیان می‌دارد: «دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم، گفتار برنامه‌درسی گفتار قدرت است.»

همان‌طور که نظرات متخصصان گفتمان سیاسی برنامه‌درسی



کشور می‌شود.

**کویگلی**<sup>۱۶</sup> [۱۹۴۹] به بررسی جایگاه اقتصاد در برنامه درسی مدارس عمومی پرداخته و نظرش این است که برنامه درسی می‌تواند با تربیت دانش‌آموزان فعال به توسعه اقتصادی کشورها کمک کند.

به عقیده ما نیز نهادهای اقتصادی باید متوجه این قضیه شوند که اختصاص بودجه به آموزش‌های اقتصادی مدرسه‌ای نوعی سرمایه‌گذاری است و آثار آن به مرور زمان هویدا می‌شود. البته هویدا شدن آثار به اقدامات استاندارد و مطلوب کنشگران رسمی تربیت نیز بستگی دارد. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری نهادهای اقتصادی و در مقابل آن سیاست‌گذاری و طرح‌ریزی فکورانه، مثل دو بال یک پرنده هستند که توفیق هم‌زمان در هر دو می‌تواند پرواز به سوی مقصد را میسر سازد.

**نهادهای سلامت:** طراحان برنامه درسی باید بدانند که یکی از ملزومات رسیدن دانش‌آموزان به مقاصد تربیتی داشتن سلامتی است. دیگر اینکه برنامه درسی ابزاری برای ارتقای سلامت است. نهادهای سلامت با معرفی بیماری‌های شایع و نیز نوظهور جسمانی و روانی به طراحان، خواستار معرفی هر چه بیشتر آن‌ها هستند تا دانش‌آموزان را برای پیشگیری از ابتلا آماده کنند. همچنین ورود مباحثی پیرامون تغذیه، بهداشت فردی و جمعی، کمک‌های اولیه، ایمنی و تحرک بدنی به برنامه درسی رسمی از دیگر مطالبات نهادهای سلامت است.

به نظر ما ورود مباحث بهداشتی به برنامه درسی نباید مقطعی یا اتفاقی و به صورت فوق‌برنامه باشد، بلکه بهداشت می‌تواند مثل سایر موضوع‌های درسی آموزش داده شود. البته اگر برنامه درسی بهداشت با برنامه نهادهای سلامت در سطح محلی و منطقه‌ای هماهنگ باشد، بهتر است و این دو می‌توانند به ارتقای وضعیت بهداشتی فرد و اجتماع محلی منجر شوند.

### تغییرات اجتماعی

**فارلی**<sup>۱۷</sup> تغییر نهادهای اساسی، شامل تغییر در الگوی رفتار و تغییر در روابط اجتماعی طی زمان مشخص را تغییر اجتماعی می‌نامد [به نقل از حسینی قمی، ۱۳۹۵: ۱۵۴]. پیامد این تعریف برای طراحان برنامه درسی، حساسیت نسبت به نهادهای اساسی، توجه به الگوهای رفتاری و ضرورت شناخت تحولات

روابط اجتماعی است. حساسیت نسبت به نهادهای اساسی می‌تواند نوع تصمیم‌گیری در مورد اهداف و نیز میزان مقبولیت آن را مشخص کند. طراحان باید توجه ویژه‌ای به نهادهای اساسی و حمایت‌کننده برنامه درسی داشته باشند، چرا که آن‌ها متولیان اصلی نظام تعلیم و تربیت رسمی هستند و حرکت در راستای هنجارهای آنان به نوعی ضمانت را در پی خواهد داشت. الگوهای رفتاری در سطح اجتماع هم بر کیفیت عناصر برنامه درسی مؤثرند، به طوری که اگر الگوهای رفتاری و اقتضانات روان‌شناختی دانش‌آموزان به فراموشی سپرده شوند، میزان توفیق کمتری را باید انتظار داشته باشیم. یا زمانی که حل مشکلات اجتماعی، آن هم به صورت جهادی، مبنای رفتار خیلی از افراد می‌شود، نمی‌توانیم دنبال فردمحوری باشیم و همه اصلاحات را متوجه نهادهای رسمی بدانیم. طراحان برنامه درسی ذیل الگوهای رفتاری باید مروج تکنیک‌هایی باشند که به خودشناسی دانش‌آموزان کمک کنند و مسئولیت‌پذیری انسانی آنان را نسبت به هم‌نوعان افزایش دهند. آن دسته از الگوهای رفتاری مورد تأیید ما هستند که با فرهنگ و سبک زندگی ایرانی/اسلامی مطابقت بیشتری داشته باشند. در قسمت روابط اجتماعی نیز طراح برنامه درسی باید به اشتراکات نظر داشته باشد و بتواند از مواردی مانند احترام به هنجارها و ارزش‌های دیگران، همدلی، همدردی، نوع‌دوستی، عزت نفس، سپاسگزاری، وفای به عهد و ... بهره گیرد. همچنین می‌تواند به آموزش مهارت‌های ارتباطی در فضای مجازی و حقیقی مبادرت ورزد.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد از مواردی مانند فرهنگ، نهادهای اجتماعی و تغییرات اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر طراحی برنامه درسی یاد شود. توصیه ما به طراحان برنامه درسی این است که بیش از پیش بر عوامل مذکور تمرکز داشته باشند و بکوشند غفلت‌های صورت‌گرفته را جبران کنند. انتظارمان از جامعه آن است که با مطالبه‌گری هوشیارانه خود، به طراحان برنامه درسی جهت بدهد و توجه به جامعه و عناصر آن را به‌عنوان امری ضروری گوشزد کند. در صورت توجه به عوامل مطرح شده، از یک سو هم‌نوایی، هماهنگی و انسجام برنامه درسی با جامعه بیشتر می‌شود و از سوی دیگر، حس تعهد اجتماعی برای حمایت همه‌جانبه از



مهرمحمدی. انتشارات سمت. تهران.  
۱۱. نلر، جورج فردریک (۱۳۸۹). **انسان‌شناسی تربیتی**. ترجمه یحیی قاندي و محمدرضا آهنچیان. انتشارات آبیژ. تهران.

12. Aimin, L, Yan, C (2011). A Case Study of Colleg English Curriculum Design Under the social Needs Analysis. **Journal of Studies in Literature and Language**, (3): 1-5.

13. Apple, M. W (2004). **Ideology and Curriculum**. London: Routledge

14. Apple, M, W (2003). **The State and Politics of Knowledge**. New Yourk: Routledge.

15. Cole, L (2019). **The Importance of Education and The Role of Family in Education**. <https://www.mentalup.co/blog/importance-of-education-and-role-of-family-in-education>

16. Essays, UK (2018). **The Role of the Family in Education**. Retrieved from <https://www.ukessays.com/essays/sociology/analysing-the-functions-of-modern-families-sociology-essay.php?vref=1>

17. Dika, S. Singh, K (2002). Applications of Social Capital in Educational Literature: A Critical Synthesis. **Journal of Review of Educational Research**. 72(1): 31-60.

18. Giroux, H (1992). **The Emancipation of teaching, Innovations in Education Reforms and their Critics**. Boston: Alyn and Bacon.

19. Graham, PW, Kapitzke, C (2010). **Curriculum and religion**. In International Encyclopedia of Education. Elsevier, Oxford, pp. 272-276.

20. Huebner, D (1962). **Politics and the Curriculum**. New York: College Press.

21. Joseph, S. (2015) Curriculum Politics in Higher Education: What Educators need to do to Survive. **International Journal of Higher Education**. 4(3): 14-20.

22. Kelly, F, Laing, P (2010). The Politics of Curriculum. **Journal of Education Canada**. 40(3): 40-43. Quigley, R, T, G (1944). The Place of Economics in the Common School Curriculum. **Journal of Review of Social Economy**. 7(2): 43-47.

23. Seiter, D (1988). **Economics in the Curriculum**. <https://www.ericdigests.org/pre-929/economics.htm>

24. Toghiani Khorasgani, A, Rahmani, J (2019). Curriculum Planning based on Economic Knowledge in Some Developed Countries. **Journal of Educational Research**. 4(5): 13-27.

25. Tulasiewicz, W, Yee To, C (1993). **World Religions and Educational Practice**. Cassell.

26. Turner-Vorbeck, T (2006). **Representations of Family in Curriculum: A Poststructural Analysis**. Peter Lang AG. pp 153-169. <https://www.jstor.org/stable/42978904>

27. Warren, A, Haynes, N C (2016). **Taking Religion Seriously Across the Curriculum**. USA: Association for Supervision & Curriculum Development.

28. Zais, R (1976). **Curriculum Principles and Foundations**. New York: Harper & Row.

برنامه درسی به بالاترین صورت ممکن خواهد رسید. به عبارت دیگر، برنامه درسی به توسعه جامعه منجر می‌شود و توسعه جامعه به مشروعیت و محبوبیت برنامه درسی می‌انجامد.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Miller
2. Kneller
3. Dika & Singh
4. Zais
5. Joseph
6. Cole
7. Turner-Vorbeck
8. Warren & Haynes
9. Graham & Kapitzke
10. Tulasiewicz & Yee To
11. Huebner
12. Giroux
13. Kelly & Laing
14. Apple
15. Seiter
16. Quigley
17. Farley

#### منابع

۱. امام‌جمعه، فخری (۱۳۸۹). سنجش دانش اقتصادی دانش‌آموزان. **فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی**. شماره ۱۳.
۲. پیغامی، عادل و تورانی، حیدر (۱۳۹۰). نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول. **فصلنامه نوآوری‌های آموزشی**. شماره ۹.
۳. ژوزف، پاملا بلوتین و همکاران (۱۳۹۶). **فرهنگ‌های برنامه درسی**. ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران. انتشارات سمت. تهران.
۴. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۶). **راهنمای معلم مطالعات اجتماعی پایه نهم دوره اول متوسطه**. شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. تهران.
۵. طالبی، سعید؛ مظلومیان، سعید؛ صیف، محمدحسن (۱۳۹۱). **اصول برنامه‌ریزی درسی**. دانشگاه پیام‌نور. تهران.
۶. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). شورای عالی آموزش و پرورش. تهران.
۷. ملکی، حسن (۱۳۸۲). **دین و برنامه درسی**. انجمن اولیا و مربیان. تهران.
۸. مهرمحمدی، محمود و همکاران (۱۳۹۳). **برنامه درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها**. انتشارات سمت. تهران.
۹. مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۱). **فرهنگ خانواده: مبنای مغفول در سامان‌دهی تعاملات خانه و مدرسه. فصلنامه راهبرد فرهنگ**. شماره ۵.
۱۰. میلر، جی پی (۱۳۹۶). **نظریه‌های برنامه درسی**. ترجمه محمود